

۱. هستی‌شناسی و عوالم وجودی

۲. انسانشناسی

انسان، این موجودِ حی متاله، به نحو حضوری در کلیه عوالم هستی تعین و حضور یافته است تا شاهد و عالم به کل اسماء و صفات الهی گردد و با درک فقر محض خود و اتصال به حقیقت مطلقه الهی به مقام عبودیت رسیده و از طریق ربوبیت الهی از پایین‌ترین مرتبه وجودی، همان نطفه، به بالاترین مقام همان لقاء الهی، نائل گردد. لذا نفس انسانی کلیه استعداد و قوای لازم را برای چنین سیر داراست و در عوالم مختلف وجود با ولایت و ربوبیت الهی ظهور و تعیین می‌یابد. در عالم ماده همراه با جما بوده تا از این جماد جماد تکامل پیدا کرده و نطفه جسمانی ظهور می‌یابد و در سیر رشد و تعالی واقع می‌گردد و هر دم و لحظه به سمت مقصود حرکت می‌نماید تا تعین جمادی به آخر حد خود رسیده و شروع تعین و همراهی با نفس نباتی آغاز می‌گردد و قوای نامیه و غاذیه و حس جزئی نمایان می‌گردد و تمام این مراتب در عالم جنینی به نحوی و در عالم طبیعت به نحوی دیگر آشکار می‌گردد. تعین در هر مرحله مراتب وجودی و آثار مرتبه قبل را به نحو اتم و اکمل داراست به عبارت دیگر در مرتبه نباتی مراتب وجودی مرتب جمادی به نحوه کاملتری حضور دارد. سپس از مرتبه نباتی گذر کرده در مرتبه نفس حیوانی ظهور می‌یابد و قوای اداریه از حواس ظاهری همچون بینایی، شنوایی، لامسه و حواس باطنی همچون حس مشترک، حافظه و خیال و مصوره به نحو جزئی و وهمی، و قوای فعلیه به نحو جذب و شهوت، دفع و غضب به او اعطا می‌گردد و با افاضه حقه و ولایت الهی، تکامل قوه اداریه به نحو کلی حاصل شده نفس انسانی با تعین قوای عقلی ظهور می‌یابد و در این ساحت با اداریه کلیه می‌تواند به اسماء و صفات فعلیه الهی علم پیدا کرده و از طریق این معرفت همراه با جذب های رحیمه، حقایق اسما و صفات را در کل عوالم وجودی مشاهده نماید و در قوس صعود بعد از رفع حدود در هر یک از عوالم وجودی یعنی انفصال از ماده و حضور متعین در عالم مثال منفصل برخی از نواقص اداری مرتبه ماده برطرف می‌گردد تا آنکه با انفصال از بدن مثالی و گذر از برزخ و حضور در عالم عقول منفصل، حق به نحو لطیفی براو آشکار شده و قیامتش برپا می‌گردد و از افق وحدت و توحید ناب بر کثرات اسماء، صفات و افعال می‌نگرد و در این سیر وجودی کلیه کثرات ماهوی و حدود فانی اشیاء عوالم را پشت سر گذاشته و در وحدت وجه الهی جریان می‌یابد و به حیات، علم و اراده الهی باقی می‌گردد و با این سعه وجودی به مقام قرب الهی و غایت کمال انسانی که همان شاهد حق و ظهور ولایت مطلقه الهی در این موجود است نائل می‌گردد.

برحسب این سیر مراتب وجود انسان را به سه، پنج و هفت مرتبه تعبیر کرده اند که کامل آن شامل جسم و بدن مادی، روان و احساس، ذهن و فکر، دل و قلب، عقل و روح، سر، سراسر است که قلب از جایگاه حساس و کلیدی برخوردار است که از یکطرف به مافوق و مراتب بالا وجودی می نگرد و از یک طرف به مراتب مادون وجودی می پیوندد که تنها را نجات انسان رسیدن به قلب سلیم می باشد که عبودت را برای پذیرش ولایت الهی کسب نموده است. فطر و نفس انسانی که قابلیت حضور در کلیه عوالم و مراتب را به نحو وجودی داراست در صورت تحقق و تعیین در این مراتب به جایگاه انسان کامل و خلیفه الهی نائل می گردد.